



زن و مرد قبل از ازدواج

باید خود را برای یک

زندگی مشترک با شرایط

جدید آماده کنند و

بدانند که شرایط دوران

متاهلی، شرایطی

است که در آن باید در

تصمیمات خود طرف

مقابل را در نظر داشته

باشند



بعد از ازدواج سبک زندگی جدید را پذیرفت

سارا شقاقی، روان شناس در این باره می گوید: گاهی اوقات ویژگی ها و خلق و خوی افراد باعث اختلاف می شود. گاهی وقت ها پیش می آید که هیچ کدام از طرفین با وجود عشقی که نسبت به یکدیگر دارند باز هم حاضر نیستند که به خاطر حفظ بنیان خانواده خود را تغییر دهند. برای همین اختلافات و درگیری ها ادامه پیدا می کند و به از بین رفتن عشق و در نهایت جدایی منجر می شود. زن و مرد قبل از ازدواج باید خود را برای شروع يك زندگی مشترك آماده کنند و بدانند شرایط دوران متاهلی و مجردی با هم تفاوت هایی دارد و سبک زندگی را باید تغییر داد. در دوران زندگی مجردی فرد وقت بیشتری را با دوستانش می گذراند اما بعد از ازدواج دو طرف باید وقت بیشتری برای همدیگر و حفظ زندگی مشترك بگذارند. حال اگر مشکلی پیش می آید سعی کنند در آرامش آن را حل کرده و از جنجال و دعوا دوری کنند. زن یا مرد باید بدانند که بعد از ازدواج تغییر در خلق و خو و شخصیت تاحدی لازم است. برای حفظ بنیان زندگی باید کمی کوتاه آمد. همچنین هر دو طرف نیز باید پیش از ازدواج در رابطه با يك سری حساسیت ها و مسائل مهم صحبت کنند و به يك تفاهمی برسند. این که تصور کنند بعد از ازدواج همه چیز خود به خود حل می شود، درست نیست. بعضی از ویژگی های فردی است که با تعهد و تاهل هم تغییر نمی کند. برای همین باید پیش از ازدواج به این مسائل توجه کرد. از طرف دیگر لجبازی بین زن و مرد هم از دیگر عواملی است که گاه به از بین رفتن يك زندگی منتهی می شود. زیرا اگر این حالت، وضعیت افراطی به خود بگیرد، به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده منجر می شود. بنابراین بهتر است زوج ها در صورت بروز مشکل و اختلافات بدون لجبازی با هم صحبت کرده و رفتار کنند تا به زندگی مشترك شان لطمه نزنند.



قلیان؛ هووی زندگی زن جوان

نیست به خاطر من کمی کوتاه بیاید. فکر می کردم با شیوع کرونا و تعطیلی سفره خانه ها دیگر سراغ قلیان نمی رود و دوستانش را کنار می گذارد اما يك سفره خانه زیرزمینی پیدا کرده اند و هر روز برای قلیان دور هم جمع می شوند. هرچه به او می گویم این کار خطرناک است و امکان دارد کرونا بگیرد، با شوخی جوابم را می دهد. او حتی به فکر سلامت من نیست. دیگر از این وضع خسته شده ام.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، من چندین سال است که با دوستانم رفت و آمد می کنم و ارتباط خوبی با آنها دارم. همه آنها مثل برادرهای من هستند و از همان روز اول ازدواج مان هم به عاطفه گفتم نمی توانم رفت و آمدم با دوستانم را قطع کنم. ولی او مرتب با من درگیر می شود و زندگی را برای هردوی ما به جهنم تبدیل کرده است. من فقط گاهی شب ها دوستانم را می بینم و با هم به سفره خانه می رویم و یا به خانه هایشان می روم. حتی از عاطفه هم خواستم با دوستانش وقت بگذارند. ولی او فقط لجبازی می کند. با این که از همان اول می دانست که من شیوه زندگی ام چطور است. برای همین من هم دیگر نمی توانم این همه خودخواهی را تحمل و با این زن زندگی کنم. سفره خانه رفتن من، يك ساعت در روز و قتم را می گیرد و زمان کافی را برای زندگی می گذارم. همسر من دنبال بهانه است و گرنه این دلیلی برای طلاق نیست.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

سفره خانه رفتن با دوستان، برای زندگی مرد جوان دردسرساز شد. نوین که بعد از ازدواجش دوره می با دوستانش را رها نکرد، نمی دانست این کار او عواقب بدی برای زندگی مشترکش خواهد داشت. تا جایی که او به درخواست همسرش به دادگاه خانواده تهران رفت تا به زندگی مشترك خود پایان دهند. زن جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه قرار گرفت، درباره علت دعوا با شوهرش گفت: همسر من با این که ازدواج کرده و دارای مسؤولیت شده، باز هم با دوستان مجردش در ارتباط است. او هر شب با دوستانش به سفرخانه می رود و دور هم جمع می شوند. بارها سر این موضوع با او درگیر شده ام ولی فایده ای نداشته و نوین حاضر نشده ارتباط خودش را با دوستانش را کمتر کند. او عصرها بعد از کارش با دوستانش قرار می گذارد و بدون این که به من اهمیت بدهد، با آنها تفریح می کند. هرچه به او می گویم تو الان باید با همسرت تفریح کنی و در کنار او باشی، فایده ای ندارد. نوین به من اهمیتی نمی دهد و مرتب با این کارهایش آرام می دهد. ۱۴ ماه است که از ازدواج ما می گذرد، ولی نوین همچنان دوستانش را به من ترجیح می دهد و هر شب با آنها به سفره خانه می رود. خیلی وقت ها من حتی مریض بودم و یا کار مهمی داشتم اما نوین در هیچ شرایطی سفره خانه رفتن با دوستانش را کنسل نکرده است. دیگر نمی توانم طاقت بیارم و می خواهم از این مرد جدا شوم. او هنوز هم تصور می کند که مجرد است و باید مجردی زندگی کند. انگار نه انگار که متاهل و متعهد شده است و در قبال من مسؤولیت دارد. او حتی حاضر

سیمافراهنی

تپش

آنجا متوجه شدیم دانیال رئیس یکی از بخش های آنجاست. دانیال دستگیر شد و تحقیقات از او را ادامه دادیم.

دانیال منکر جنایت بود و ما برای داشتن مدارکی علیه مرد جوان از شرکتی که او کار می کرد، استعلام کردیم که تخلفی مرتکب شده یا خیر. در پاسخ نیز به ما گفته شد دانیال هنگامی که با خودروی پیکان سفید رنگی وارد پارکینگ شرکت شده بود، با مسؤول پارکینگ بر سر جای پارک مشاجره لفظی داشته است. تاریخ درگیری مربوط به تاریخی بود که ما جسد امیر را آن روز کشف کردیم. خودروی پیکان نیز متعلق به امیر بود. حالا مدارکی داشتیم که دانیال نمی توانست در برابر آنها سکوت کند.

اعتراف به قتل

مدارک ما، قفل سکوت دانیال را شکست و او به جنایت اعتراف کرد: «امیر در کار خرید و فروش مواد مخدر بود و من هم که در این کار بودم با او آشنا شدم. امیر برایم مواد می خرید و



صاحب مسافرخانه نشانی از پسر ناشناس در اختیار ما قرار داد. او گفت: روی یقه کت مرد جوان آرم فلزی بود. مرد میانسال آرم فلزی را برای ما روی کاغذ کشید. آرمی که نشان می داد مرد جوان که تصور می کردیم دانیال باشد، کارمند یک شرکت مشخص است. با کلی تحقیق موفق شدیم شرکت را پیدا کنیم و با حضور در

من هم با قیمتی گران تر آنها را می فروختم. تا این که اختلاف ما بر سر پول مواد شروع شد، امیر مدعی بود ارزش موادی که به من فروخته، بیشتر از مبلغی است که به او پرداخت کرده ام. اما من به اندازه موادی که خریده بودم، پول داده بودم و او زیر بار نمی رفت.»

او ادامه داد: «اختلاف ما ادامه داشت تا این که امیر برای تسویه حساب به تهران آمد. امیر را به خانه ام بردم. آن شب دوباره بر پول مواد مخدر با هم دعوایمان شد. همان جا بود که نقشه قتلش را کشیدم، زمانی که امیر به خواب رفت با مجسمه ای به سر او زدم. نزدیکی های صبح جنازه را داخل ماشین خودش گذاشتم و در مسیر شرکت رها کردم.»

دانیال خودروی مقتول را به مرد جوانی در یکی از شهرها داده بود و با نیابت قضایی راهی آن شهر شدیم و با دستگیری او مشخص شد پیکان توسط چند نفر دیگر در همان منطقه اوراق شده است. دانیال پس از اعتراف به قتل و کشف آثار و دلائل ارتکاب جرم راهی زندان شد.